



مؤسسه تحقیقات اسلامی و معارف قرآنی
مرکز فرهنگ و معارف قرآن

۵۲۱

مجموعه مقالات قرآنی سال ۱۳۸۵

عنوان مقاله:

نویسنده:

محل چاپ:

تاریخ نشر:

نیایش دوم صحیفه سجادیه و تلمیحات قرآنی و نکات بلاغی آن

جلیل تجلیل *

چکیده: نویسنده در این مقاله، سی نکته بلاغی از جمله تلمیحات قرآنی و حدیثی در دعای دوم صحیفه سجادیه را - که در شأن و مقام رسول خدا ﷺ است - بررسی و معرفی کرده است.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه (کتاب) / صحیفه سجادیه، دعای دوم / رسول خدا ﷺ، شوون و مقامات / بلاغت / تلمیحات قرآنی / تلمیحات حدیثی.

مقدمه :

پیامبر اکرم - درود خدا بر او و خاندان او باد - در گفتار و کردار، از زلال قرآن کریم بهره گرفته‌اند که بلاغتِ اعجاز نشان دارد و در وصف آن باید به آیه کریمه «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» (حشر، ۲۱) متوسل شد. این بهره‌مندی نخست در کلام نبی اکرم ﷺ در حد کمال، آنگاه در گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام و سپس در کلام یازده فرزند معصوم و نامدار وی علیه السلام تجلی کرده است. در این مقاله، بخشی از نیایش دوم صحیفه امام زین العابدین علیه السلام بررسی و استفاده آن بزرگوار از تعابیر قرآنی، با ذکر نکاتی از بلاغت و ادب، به گونه ایجاز، از سوی این ناچیز تقدیم می‌شود. تعابیر این صحیفه پربرکت - چنان که یاد شد - لبریز از رشحات دریای بلاغت قرآنی و احادیث نبوی و امامان معصوم (امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان علیه السلام) می‌باشد. در

این مقاله - که شامل هشت فراز از نیایش و دعا و وصف نبی اکرم صلی الله علیه و آله است - اندکی به تعابیر دعای دوم صحیفه حضرت سجاد علیه السلام از دیدگاه تلمیحات قرآنی و احياناً اشارات ادبی و بلاغی آن پرداخته می شود:

فراز اول

الحمد لله الذي من علينا بمحمد نبيه صلی الله علیه و آله دون الامم الماضية و القرون السالفة بقدرته التي لا تعجز عن شيء و إن عظم ولا يفوتها شيء و إن لطف.

۱ - ۱. در این فراز، مسندالیه واژه «الحمد» است که با «أل» استغراق، همه گونه های نیایش های آدمیان و کائنات و ذره ذره موجودات را شامل می شود.
۱ - ۲. در آن کلمه «الله» با جمله ای توصیف می شود که واژه آغازینش «الذی» است و کلمه موصول در پایگاه مسندالیه، مبین تشویق و تفخیم مسند الیه است، چنان که در کتب بلاغت، یکی از خصوصیات موصول در این مقام، بیانگر شگفتی و عظمت است مانند بیت زیر:

إن الذي سمك السماء بنى لنا بيتا دعائه اعزّ وأطول^۱

۱ - ۳. پس از القای این تعظیم و تفخیم، جمله صله آن، به برکت آراستگی به تعبیر کلمه مبارک «منّ علينا بمحمد نبيه صلی الله علیه و آله» زیور یافته و از آیه شریفه: «لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلو عليهم آياته و...»^۲ فروغ بلاغت قرآنی یافته است.

۱ - ۴. در همین فراز، عبارت «صلی الله علیه و آله» که جمله دعایی است، مأخذ قرآنی دارد: «إنّ الله و ملائکته يصلّون على النبي یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما»^۳

۱ - ۵. در عبارت «دون الامم الماضية و القرون السالفة» استثنا و حصری ایفاد می شود که خود برگرفته از آیه یاد شده (آل عمران، ۱۶۴) است و دیگر امام در روزگاران

۱. و بیت

۳ ۵ ۸ ۸

حيوان مستحدث من

إن الذي حارت البرية فيه

جماد

۳. احزاب / ۵۶.

۲. آل عمران / ۱۱۴.

کتاب شماره ۹



سلف، از برانگیخته شدن رسولی چنین خاتم و اشرف مخلوقات بنی آدم که ما را به باران گونه نعمت های الهی شستشو داده، محروم بوده اند. بنابراین کلمه «الحمد» آغازین، وسعت و گستردگی تابش نعمت بعثت نیایش نوید داده است.

۱ - ۶. در عبارت: «بقدرته التي لا تعجز...» قدرت خدا آن چنان بی کران است که بزرگ ترین قدرت ها پیش او ناچیز است و نادیدنی ترین و ناچیزترین کارها از نظر او پنهان نیست، جمع این تضادها و طباق ها چقدر حیرت افزا است.

فراز دوم

فختم بنا علی جمیع مَنْ ذَرَأَ و جعلنا شهداء علی من جحد، و کَثَرْنَا بِمَنَّهُ عَلٰی مَنْ قَلَّ

۱ - ۲. سپاس خدا در این فراز، بدین است که ما را امت و اَپسین پیامبر - از میان پیامبران ارشادگر - قرار داد که اشاره به آیه: «وَ اِنْ مِنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَفِيْهَا نَذِيْرٌ»^۱ و آیه «خاتم النبیین»^۲ دارد.

۲ - ۲. در تعبیر «جعلنا شهداء علی مَنْ جحد» کلمه «شهداء» ناظر است به آیه «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَاءَ عَلٰی النَّاسِ وَ يَكُوْنُ الرَّسُوْلُ عَلَیْكُمْ شَهِيدًا»^۳

به مفاد این آیه، همه امت پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله، همچون خود حضرتش، باید در میان امم شاهد و اسوه و سرمشق دیگر امت ها باشند. به مفاد آیه «کنتم خیر امة اخرجت للناس»^۴ برترین امت های پیامبران خدا به شمار می آییم. شکر و سپاس، به این همه عطایا و نعم پیش کش باد.

۲ - ۳. در عبارت «کَثَرْنَا بِمَنَّهُ عَلٰی مَنْ قَلَّ» طباق لطیفی در بین «کَثُرٌ» و «قَلَّ» ملاحظه می شود.

۲ - ۴. در همه عبارات این فراز، مسندالیه، لفظ جلاله (الله) است که به قرینه لفظی در فراز نخستین، در همه عبارات حذف شده و عبارات عیار و ارزش ایجاز پیدا کرده است.

۳۴۸۹

۲. احزاب / ۴۰.

۴. آل عمران / ۱۱۰.

۱. فاطر / ۲۴.

۳. بقره / ۱۴۳.

فراز سوم

اللهم فَصِّلْ على مُحَمَّدٍ أمينك على وحيك ونجيبك من خلقك و صفيتك من عبادك، إمام
الرحمة وقائد الخير ومفتاح البركة.

۱-۳. در این فراز سراپا درودین، پیامبر اکرم را به گونه گونه درودها می نوازند و
بزرگ می دارد. نام بزرگوار آن نبی خاتم به تنسیق صفاتی به دنبال می آید که عبارتند از:
امین، نجیب، صفی، امام، قائد و مفتاح. این تنسیق صفات، گاه با واو عطف با عبارات
متعاطف و گاه به صورت متعاطف با موصوف مقدس خود پیوند و وصل برقرار کرده،
چراکه همه در جمله خبریه نشیمن پیدا کرده اند و آن جا که بی واو آمده، «امام الرحمة»
کمال اتصال پیدا کرده که از مواضع فصل است.

۲-۳. در این فراز کلمه «آمین»، اشارت به این آیات است: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ
إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾^۱ و آیه: ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾^۲

۳-۳. در عبارت «امام الرحمة» تلمیحی است به آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً
لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳ در این فراز، پیامبر و همه اوصاف آن بزرگوار یکایک معمول «فَصَّلْ» می باشد
که از تکرار این فعل دعایی با واو عطف پرهیز شده و این کلمه به قرینه لفظی حذف
گردیده و امکانی برای تجهیز ایجاز، صورت گرفته است.

فراز چهارم

كما نصب لأمرک نفسه، و عرّض فیک للمکروه بدنه و کاشف فی الدعاء الیک حامته، و
حارب فی رضاک أسرتّه، و قطع فی إحياء دینک رحمه، و أقصى الأدنین علی جحودهم، و قرّب
الأقصین علی استجابتهم لک.

۱-۴. کلمه «ما» در «كما»، مای مصدری است: «كما نصب لأمرک نفسه» = کتصب
النبي لنفسه لأمرک، یعنی آماج کردن پیامبر جان خود را به اجرای فرمان خدا. در «حارب
فی رضاک أسرتّه»، کاف تشبیه به قرینه عطف حذف شده و تقدیر آن این است:



«كُمُعَارِبَتُهُ أَسْرَتُهُ فِي رِضَاكَ». و در دعوت به دین و آیین تو با خویشان و نزدیکان دشمنی ورزید. در رساندن و دعوت، عبارت «و كَاشَفَ فِي أَحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَتَهُ» با حذف مای مصدری، مراد به معنی: «كَمُكَاشِفَةِ النَّبِيِّ رَحِمَتُهُ فِي أَحْيَاءِ دِينِكَ» به کار رفته است.

۴-۲. به همین ترتیب: نمونه‌های حذف «ک» و «مای مصدری» با استمداد از عطف به جمله اولی تا پایان این فراز اعمال شده و امتیاز حذف با قرینه و ایجاد ایجاز مطلوب کسب کرده اسیت.

۴-۳. دو فعل «اقصى» (دور کرد) و «قرب» (نزدیک گردانید) و دو اسم (أدنین) و (أقصین) در فراز یاد شده، به صورت طباق و تضاد به کار رفته است. و در عین حال، آوردن جناس اشتقاق بین «أقصى، أقصین» و رعایت طرد و عکس دو عبارت، از نکات بدیعی به شمار است.

۴-۴. عبارت «اذ أقصى الأدنین علی جحودهم و قرب الأقصین» ناظر است به آیه کریمه «إِذَا أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَ الرِّكْبَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَ لَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيْعَادِ وَ لَكِنْ لِيَقْضَى اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن هَلِكٍ عَن بَيْتَةٍ وَ يَحْيَىٰ مَن حَيَّ عَن بَيْتَةٍ»^۱

فراز پنجم

و والی فیک الأبعدين و عادى فیک الأقربین، و أذآب نَفْسُهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ، وَ اتَعْبَهَا بِالِدَعَاءِ إِلَى مَلَّتِكَ، وَ شَغَلَهَا بِالنُّصْحِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَ هَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ وَ مَحَلِّ النَّأْيِ عَنِ مَوْطِنِ رَحْلِهِ وَ مَوْضِعِ رِجْلِهِ وَ مَسْقَطِ رَأْسِهِ وَ مَأْتَسِ نَفْسِهِ، أَرَادَةَ مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ وَ اسْتِنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ.

۵-۱. در این فراز، شش مُسند آمده است: والی، عادى، أذآب، أتعب، شغل، هاجر، که همه در مسندالیه مشترک‌اند و آن شخص رسول اکرم ﷺ است که در فراز پیشین آمده و به ترتیب با استاد به مسندالیه مذکور، مسندالیه جواز حذف پیدا کرده و این یکی از موارد زیبای حذف مسندالیه و از محورهای ایجاز حذف به شمار است.

۵-۲. در عبارت «والی فیک الابعدین و عادى فیک الأقربین» دو جمله با طرد و



عکس آمده که جمع آنها ایجاد شگفتی می‌کند و امتیاز و فخامت موصوف له را می‌رساند و این تشبیه شگفتی آفرین در جمع بین مفاهیم دور و نزدیک، آن جا بیشتر کارآمده است که انسان یک مفهوم متضاد را با آن تمثیل و تشبیه مرکب از عناصر دور و نزدیک یا متضاد تصویر می‌کند مانند تصویر در بیت‌های زیر از بُحتری:

دانِ علی آیدی العقاد و شاسع عن کلّ ندّ فی الندی و ضریب
کالبدو کالشمس أفرط فی العلوّ و ضوئه للعصبة السارین جدّ قریب
۳-۵. و عبارات «أدأب نفسه فی تبلیغ رسالتك و اتعها بالدعاء الی ملّیک» ناظر است به آیات:

«ما أنزلنا علیک القرآن لتشتقی»^۲ و «إنی اصطفیتک علی الناس برسالاتی»^۳ - ۵-
۴. در عبارت «وّهاجر الی بلاد الغربة و محلّ النأی عن موطن رحله» اشاره دارد به آیات «و
الرجز فاهجر»^۴ و «و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرأ جمیلاً»^۵
۵-۵. در عبارات «ارادة منه لإعزاز دینك و استنصاراً علی أهل الکفر بك» اشارات دارد به آیات زیر:

«و لا یحزنک قولهم إنّ العزة لله جمیعاً و هو السمع العلیم»^۶، «و ما النصر إلا من عند الله العزیز الحکیم»^۷ و «یؤید بنصره من یشاء»^۸

فراز ششم

حتی استتب له ما حاول فی أعدائک، و استتم ما دبّر فی اولیائک فنهد إلیهم مستفتحاً
بعونک و متقویاً علی ضعفه بنصرک، فغزاهم فی عقر دیارهم، و هجم علیهم فی مجبوحه قرارهم،
حتی ظهر أمرک و علت کلمتک و لو کره المشرکون

۱-۶. دو عبارت: «مستفتحاً» و «متقویاً» دو قید حالتی هستند که مسند الیه (رسول گرامی اسلام ﷺ) به این دو قید، آراسته است و مستفاد از آیات زیر است: «إنا

۱. رک. تحلیل اشعار اسرار البلاغة تألیف جلیل تجلیل، انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۸.
۲. طه / ۲.
۳. اعراف / ۱۴۴.
۴. مدثر / ۵.
۵. مزمل / ۱۰.
۶. یونس / ۶۵.
۷. آل عمران / ۱۲۶.
۸. آل عمران / ۱۲.

فتحنا لك فتحاً مبیناً^۱ ﴿فخذها بقوة و أمر قومك يأخذوا بأحسنها﴾^۲
 ۲-۶. تلمیح عبارت «حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ» ناظر است به آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
 بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۳
 ۳-۶. در عبارت «و علت كلمتك» از یک سو اشاره دارد به آیه: ﴿كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ
 الْعَلِيَا﴾^۴ و از دیدگاه بیانی استعاره مکنیه است از اوج‌گیری و افزونی در اعتبار.

فراز هفتم

اللَّهُمَّ فَارِقَهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعَلِيَا مِنْ جَنَّتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوَىٰ فِي مَنَزَلَةٍ وَلَا
 يَكَاثِفًا فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلِكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ.

۱-۷. در این فراز، مخاطب امام عليه السلام از روی دعا و تقاضا، پیشگاه یگانه خدا است
 و از نظر ادبی در مسیر عبارات، التفاتی است از خبر به انشا و از غایب به مخاطب.
 ۲-۷. در عبارات «اللَّهُمَّ فَارِقَهُ» تلمیح است به آیه شریفه: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۵ دعا می‌فرماید که خدا پایگاه بلندی به پیامبرش
 نصیب فرماید و به درجه‌ای رساندش که هیچ یک از بندگان با او کفوی و برابری نتواند و
 در پیشگاه خدا نیابد. همچنین اشارت و تلمیح است به این آیه: ﴿وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾^۶
 ۳-۷. عبارت «و لا یوازیه لَدَیْكَ مَلِكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِیٌّ مَرْسَلٌ» یادآور این حدیث
 منسوب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است:

«لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسَعُنِي مَلِكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ.»

لَا يَسَعُ فِينَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ وَ الْمَلِكُ وَ الرُّوحُ أَيْضاً فَاعْقِلُوا
 أَنْ چنان سرگشته از اجلال حق کاندرو هم ره نیابد آل حق

فراز هشتم

وَ عَرَّفَهُ فِي أَهْلِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَسَنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلٌ مَا وَعَدْتَهُ، يَا نَافِذَ
 الْعُدَّةِ يَا وَاقِيَ الْقَوْلِ، يَا مَبْدَلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.
 ۱-۸. در ادامه این دعا استدعای آن مقامی را دارد که خداوند خود وعده فرموده

۲. اعراف / ۱۴۵.

۴. توبه / ۴۰.

۶. انشراح / ۴۴.

۱. فتح / ۱.

۳. توبه / ۳۳.

۵. مجادله / ۱۱.

۳۴۹۲

و آن در آیه «و لسوف يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۱ است. مقام شامخ شفاعت بر دوخته بر قامت نبی اکرم است و این معرفت را که امت پیامبر پیدا کنند و از خدا بخواهند: اللهم عَرَفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعْرِفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللهم عَرَفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَعْرِفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُبَّكَ...^۲

۸-۲. در عبارت «يا مبدل السينات بأضعافها من الحسنات» اشعار دارد به آیه «إلا

مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً فَأُولَئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»^۳

۸-۳. آنگاه این دعا با تلمیح به آیه: «والله ذو الفضل العظيم»^۴ حسن ختام

می یابد.

۳۴۹۴

۲. فرقان / ۷۰.

۱. الضحی / ۵.

۳. بقره / ۱۰۵؛ آل عمران / ۷۴؛ انفال / ۲۹؛ حدید / ۲۱ و ۲۹؛ جمعه / ۴.